

اثر تعدیل کننده دوره تصدی حسابرِس بر رابطه اندازه حسابرِس و کیفیت حسابرِس

حسین حاجی بگلو^۱

مصطفی مؤسی^۲

پرویز بیات مختاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴

چکیده

موافقان کاهش دوره تصدی حسابرِس بر این عقیده هستند که حسابرسان بعد از حضور طولانی مدت در کنار یک صاحبکار به دلیل وابستگی های اقتصادی، انگیزه بیشتری برای حفظ صاحبکار و پذیرش دیدگاه ها و خواسته های وی خواهند داشت که این امر استقلال آنها را مخدوش و ممکن است باعث کاهش کیفیت حسابرِس شود. مخالفان کاهش دوره تصدی حسابرِس، اعتقاد دارند مخارج اجرا و اعمال کاهش دوره تصدی حسابرِس بیش از منافع آن است. آنها استدلال می کنند که عوامل دیگری نظیر نیاز به حفظ اعتبار و شهرت و ترس از طرح دعاوی حقوقی علیه آنها وجود دارد که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال و افزایش کیفیت حسابرِس می کند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی اثر تعدیل کننده دوره تصدی حسابرِس بر رابطه بین اندازه حسابرِس و کیفیت حسابرِس است. برای آزمون فرضیه های تحقیق از مدل رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردیده است. نتیجه بررسی ۱۴۲ شرکت و تعداد ۸۵۲ مشاهد شرکت - سال پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۰ حاکی از آن است که بین اندازه حسابرِس با کیفیت حسابرِس (هزینه سرمایه) رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به عبارتی، در شرکت هایی که حسابرِس آنها توسط سازمان حسابرِس صورت پذیرفته است، کیفیت حسابرِس بالاتر است. یافته های این پژوهش نشان داد که دوره تصدی حسابرِس می تواند رابطه بین اندازه حسابرِس و کیفیت حسابرِس را کاهش دهد.

واژه های کلیدی

کیفیت حسابرِس، اندازه حسابرِس، دوره تصدی حسابرِس، هزینه سرمایه.

۱. کارشناسی ارشد حسابرِس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران.

۲. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور مشهد، مشهد، ایران.

۳. کارشناسی ارشد حسابرِس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران.

۱. مقدمه

حسابرسی صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود. حساب‌رسان مستقل از طریق اعتبار دهی به صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مورد رسیدگی آلودگی‌ها را از اطلاعات مالی می‌زدایند و موجب شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. بر همین اساس، حسابرسی صورت‌های مالی توسط حساب‌رسان مستقل به‌عنوان یکی از الزامات اصلی بورس‌های مختلف دنیا به شمار می‌آید (بولو و همکاران، ۱۳۸۹).

یکی از مهم‌ترین عملکردهای حسابرسی باکیفیت، افزایش قابلیت اعتماد به گزارش مالی است (بونه و همکاران^۱، ۲۰۰۸). اگرچه مسئولیت اصلی تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت شرکت است در پی رسوایی‌های مالی اخیر در سطح جهان و بروز نگرانی‌هایی در مورد توان اتکای صورت‌های مالی، انگشت اتهام به‌سوی حساب‌رسان نشانه رفته است تا جایی که عموماً از این وقایع به‌عنوان «شکست حسابرسی» یاد می‌شود. تلقی عموم این است که نبودن استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی موجب وقوع چنین وقایعی شده است (لی^۲، ۲۰۰۷). این نگرانی‌ها در مورد استقلال حساب‌رسان، باعث شد کمیته‌های نظارتی مربوط به بورس‌های اوراق بهادار به فکر راه‌حل باشند؛ به‌عنوان مثال، کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا، هیئت تدوین استانداردهای مربوط به استقلال را در سال ۲۰۰۰ تأسیس و همچنین قوانین محدودکننده‌ای تدوین کرد که نوع خدماتی را که مؤسسات حسابرسی می‌توانند به صاحب‌کاران خود پیشنهاد کنند، تدوین نماید (کمیسیون اوراق بهادار آمریکا، ۲۰۰۰).

علاوه بر این، قانون چرخش اجباری حساب‌رسان و محدود کردن دوره تصدی آن‌ها، در برخی کشورها تصویب شد؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به تصویب قانون سارینز-آکسلی در جولای ۲۰۰۲ اشاره کرد. بخش ۲۰۳ این قانون، مؤسسات حسابرسی را ملزم می‌کند شریکان و مدیران خود را بعد از پنج سال پی‌درپی کار حسابرسی برای یک صاحب‌کار تغییر دهند. الزام سازمان بورس و اوراق بهادار تهران به تغییر حساب‌رسان شرکت‌ها مسلماً ناشی از نگرانی دست‌اندرکاران و مسئولان بازار سرمایه در مورد استقلال، کیفیت حسابرسی و... است. بنابر تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس مصوب ۱۳۸۶/۵/۸ شورای عالی بورس، مؤسسات حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال، دوباره سمت حساب‌رسان مستقل و بازرسان قانونی شرکت واحدی را بپذیرند (قانون بازار سرمایه).

وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا، از عوامل اصلی ارزیابی وضع موجود و عملکرد یک شرکت در فعالیت‌های خود و همچنین تصمیم‌گیری در مورد داد و ستد اوراق بهادار آن شرکت می‌باشد (رید و کارسلو^۳، ۲۰۱۶). در محیط اقتصادی امروز با حضور فعالان اقتصادی متنوع و ساختار پیچیده روابط اقتصادی میان آنها، اطلاعاتی قابل اتکا تلقی

¹ Boneh et al

² Lee

³ Reid and Carcello

می‌شوند که توسط گروهی حرفه‌ای و مستقل بر فرآیند تهیه و ارائه آنها نظارت و اظهار نظر شده باشد. نمونه بارز گروه‌های حرفه‌ای مستقل، مؤسسات حسابرسی می‌باشند که عمدتاً ساختار کنترل داخلی واحد گزارشگر و محصول نهایی آن یعنی صورت‌های مالی را مورد بررسی و نظارت قرار داده و در این مورد اظهار نظر می‌نمایند. بدیهی است با توجه به جایگاه و نقش مؤسسات حسابرسی در تصمیمات استفاده‌کنندگان، وجود و بروز استقلال حسابرس و ارتقا کیفیت کار مؤسسات حسابرسی به عنوان عوامل کلیدی در تهیه گزارش حسابرسی قلمداد می‌شود. به همین دلیل برای افزایش کیفیت کار و حفظ استقلال مؤسسات حسابرسی راهکارهای مختلفی از سوی مراجع حرفه‌ای و صاحب‌نظران حرفه‌ای ارائه شده است که یکی از پیشنهادها مورد توصیه آنان، چرخش مؤسسات حسابرسی (اجباری یا اختیاری) و کاهش دوره تصدی حسابرس می‌باشد (اشباغ و همکاران^۱، ۲۰۰۹؛ دفوند و ژانگ^۲، ۲۰۱۴).

موافقان چرخش حسابرس (اجباری یا اختیاری) و کاهش دوره تصدی حسابرس بر این عقیده هستند که حسابرسان بعد از حضور طولانی مدت در کنار یک صاحبکار به دلیل وابستگی‌های اقتصادی، انگیزه بیشتری برای حفظ صاحبکار و پذیرش دیدگاه‌ها و خواسته‌های وی خواهند داشت که این امر استقلال آنها را مخدوش می‌کند. به اعتقاد آنها دوره‌ی تصدی طولانی باعث ایجاد یک سری روابط عاطفی می‌شود تا حدی که احساس وفاداری در حسابرسان ایجاد می‌کند و بدین ترتیب استقلال آنها را به خطر می‌اندازد (لی^۳، ۲۰۱۰) و ممکن است باعث کاهش کیفیت حسابرسی شود. مخالفان چرخش حسابرس (اجباری یا اختیاری)، شاید این دیدگاه را تایید کنند اما آنها اعتقاد دارند مخارج اجرا و اعمال این قانون بیش از منافع آن است. از طرفی، آنها استدلال می‌کنند که عوامل دیگری نظیر نیاز به حفظ اعتبار و شهرت و ترس از طرح دعاوی حقوقی علیه آنها وجود دارد که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می‌کند (لیم و تان^۴، ۲۰۱۰). به طور کلی، هدف حسابرسان حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورتهای مالی است. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰).

از سویی، به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران به طور منفی به تصمیمات چرخش مؤسسات حسابرسی (اجباری یا اختیاری) واکنش نشان دهند. شاید آنها بر این عقیده باشند که هرگونه منافع بالقوه چرخش، همچون بهبود استقلال، به احتمال زیاد به هزینه‌های آن نمی‌چربد (هم هزینه‌های مستقیم و هم غیر مستقیم). همچنین به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاران به چرخش به عنوان یک ویژگی نامطلوب برای شرکت‌هایی که توسط حسابرسان بزرگ (در اینجا، سازمان حسابرسی) حسابرسی شده‌اند و شرکت‌هایی که دارای یک رابطه طولانی مدت با حسابرسان هستند، می‌نگرند.

¹ Ashbaugh et al

² DeFond and Zhang

³ Li

⁴ Lim and Tan

موضوع گزارش سال ۲۰۱۴ هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های دولتی^۱، با محوریت "حفاظت سرمایه گذار" منتشر شده است. استقلال حسابرس برای کارآمدی حفاظت از سرمایه گذاران برای حسابرسان ضروری است. با این حال، بحث دیرینه‌ای وجود دارد که آیا دوره تصدی نامعین، کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد. یک راه حل جایگزین برای حل این مشکل چرخش اجباری یا اختیاری مؤسسه حسابرسی است.

تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۵/۸ و اصلاحیه مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۷ شورای عالی بورس و اوراق بهادار الزام می‌کند: «موسسات حسابرسی و شرکای مسوول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی فوق مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال متوالی، بار دیگر سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت یادشده را بپذیرند. پذیرش مجدد حسابرسی اشخاص یادشده پس از سپری شدن حداقل ۲ سال از پایان دوره ۴ ساله مزبور مجاز است».

با وجود دوره‌ای بودن چرخش اجباری مؤسسه حسابرسی، آن همچنان برای محققان ناشناخته باقی مانده است که چگونه چرخش مؤسسه حسابرسی (اجباری یا اختیاری) و دوره تصدی حسابرس بر کیفیت حسابرسی اثرگذار است. ما این خلاء را با بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرس بر کیفیت حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران پر کردیم.

از عوامل دیگر اثرگذار بر کیفیت حسابرس می‌توان بر اندازه حسابرس اشاره کرد. از حسن شهرت و مراقبت حرفه‌ای برای حفظ ویژگی‌های واقعی کیفیت حسابرسی و کیفیت درک شده استفاده می‌شود. پس می‌توان گفت حسن شهرت حسابرس چگونگی درک ذی نفعان از اطلاعات مذکور را متأثر می‌سازد و حسن شهرت حسابرس به درک بازار از شایستگی و بی طرفی (استقلال ظاهری) حسابرس مرتبط می‌شود. این امر توانایی حسابرس برای افزایش اعتبار صورت‌های مالی (حتی در صورت فقدان اطلاعات با کیفیت) را نمایش می‌دهد.

مهمترین شاخص حسن شهرت حسابرس، اندازه مؤسسه حسابرسی است. از دیدگاه نظری چندین دلیل برای رابطه مستقیم مورد انتظار بین حسن شهرت حسابرس و توانایی نظارت حسابرس وجود دارد. مؤسسات معتبرتر در مقام مقایسه با مؤسسات کم اعتبارتر و کوچک‌تر حسن شهرت بیشتری را وثیقه می‌گذارند و با احتمال کمتری از اشتباهات با اهمیت با مخاطره دعوی حقوقی چشم می‌پوشند.

در کل در پژوهش‌های صورت گرفته در ایران، سازمان حسابرسی را به عنوان مؤسسه بزرگ و دارای اعتبار و شهرت بالا در ایران در نظر می‌گیرند، بنابراین شرکت‌های حسابرسی شده به وسیله سازمان حسابرسی به عنوان شرکت‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که اقلام صورت‌های مالی آنها از اعتبار بالایی برخوردار بوده و در نهایت کیفیت حسابرسی بالاتری خواهند داشت. در مقابل، شرکت‌های حسابرسی شده به وسیله سایر مؤسسات حسابرسی (مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی) در نظر گرفته می‌شود که اندازه آنها نسبت به سازمان کوچکتر است. این مؤسسات

¹ Public Company Accounting Oversight Board's (PCAOB or Board)

حسابرسی در مقابل سازمان حسابرسی از میزان اعتبار دهی کمتری برخوردار بوده و در نهایت کیفیت حسابرسی پایین تری از لحاظ حفظ استقلال، آموزش کارکنان و غیره خواهند داشت. با توجه به مطالب گفته شده، این پژوهش به بررسی اثر تعدیلی دوره تصدی حسابرس بر رابطه اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی می پردازد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تملک سهام شرکت ها، یکی از مهمترین روش های سودآوری است. در عصر حاضر و با توجه به گسترش بازارهای مالی، به دلیل افزایش ریسک سرمایه گذاری بر اساس اطلاعات ارائه شده ی شرکت ها، بازده مورد انتظار سرمایه گذاران نیز افزایش خواهد یافت. به همین علت کیفیت اطلاعات ارائه شده از شرکت ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. محصول استراتژیک حسابرسی صورت های مالی برای ذینفعان اعتباردهی در خصوص اطلاعات مالی ارائه شده توسط شرکت ها بوده است. در دنیای نامطمئن کنونی، از حسابرسان شرکت ها انتظار می رود تا با ارائه خدمات حرفه ای خود استفاده کنندگان را از نحوه ارائه وضعیت و عملکرد مالی مطلع نمایند و آرامشی نسبی را برایشان با کاهش عدم اطمینان نسبت به ادعاهای مدیریت فراهم کنند؛ بنابراین می توان گفت که علاوه بر نقش اقتصادی حسابرسی شاهد تاثیر اجتماعی و روان شناختی آن نیز می باشیم (رحیمیان و حسینی، ۱۳۹۳).

افزایش شمار و پیچیدگی قوانین گزارشگری مالی و حسابداری، اختلاف نظر بین حسابرسان و صاحبکاران را افزایش می دهد. از این رو انتقادهایی وجود دارد مبنی بر این که افزایش تغییر حسابرس در سال های اخیر، موجب تشدید اختلاف نظرهای مذکور شده است و به توانایی حسابرس در ایفای نقش مهم اعتباردهی به صورت های مالی صدمه می زند. بر این اساس استدلال می شود که تغییر حسابرس باعث کاهش کیفیت حسابرسی و در نتیجه بی اعتبار شدن صورت های مالی می شود (گول و همکاران^۱، ۲۰۰۹). به همین دلیل برخی مقامات قانون گذار نگران این هستند که افزایش فراوانی تغییر حسابرس، اعتماد استفاده کنندگان را به گزارشگری مالی (و نه فقط به صورت های مالی شرکت های تغییر دهنده حسابرس) کاهش دهد.

از طرفی در مقابل استدلال می شود که تغییر دوره ای حسابرس موجب افزایش استقلال و کیفیت حسابرسی می گردد. چون این موضوع، تضادی قابل اعتنا در حوزه نظری حسابرسی ایجاد می کند، بنابراین بررسی تاثیر پدیده تغییر مؤسسات حسابرسی بر کیفیت کار آنها از اهمیت خاصی برخوردار است.

بحران مالی جهان و پی آمدهای مخربی که بر اقتصاد بین المللی گذاشته است، باز هم ضمن طرح دوباره این پرسش که حسابرسان کجا بودند وظایف جدیدی بر دوش حسابرسان نهاد. از ابتدای دهه ی نخست هزاره ی جدید و در پی رسوایی مالی انرون و در پی آن رسوایی و انحلال موسسه حسابرسی بسیار بزرگ آرتور اندرسون تا بحران بزرگ مالی ۲۰۰۸ و رسوایی های مالی متعاقب آن، شرایط تازه ای در محیط فعالیت حسابرسان ایجاد شد و توقع عمومی انجام وظایفی است

¹ Gul et al

که از حسابرسان انتظار دارند. از همین رو، محیط قانونی جدید برای فعالیت حسابرسان پدید آمد، یا در انتظار ایجاد است.

تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۵/۸ و اصلاحیه مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۷ شورای عالی بورس و اوراق بهادار الزام می‌کند: «موسسات حسابرسی و شرکای مسوول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی فوق مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال متوالی، بار دیگر سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت یادشده را بپذیرند. پذیرش مجدد حسابرسی اشخاص یادشده پس از سپری شدن حداقل ۲ سال از پایان دوره ۴ ساله مزبور مجاز است. ضمناً در صورت خروج شرکا از موسسه قبلی، شریک مسوول کار در دوره ۴ سال قبل نمی‌تواند تا دو سال با حضور به عنوان شریک در موسسه حسابرسی دیگر سمت مزبور را قبول کند. شروع این مهلت از تاریخ تصویب این دستورالعمل خواهد بود».

اشخاص حقوقی موضوع این ماده نیز عبارتند از:

الف - شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان یا متقاضی پذیرش در بورس اوراق بهادار یا بازارهای خارج از بورس،
ب - شرکت‌های فرعی شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان یا متقاضی پذیرش در بورس اوراق بهادار یا بازارهای خارج از بورس،

پ - شرکت‌های سهامی عام با عرضه عمومی،

ت - نهادهای مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران شامل شرکت‌های کارگزاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های تامین سرمایه، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های هلدینگ، بورس‌ها، بازارهای خارج از بورس، شرکت‌های سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه و...

ث - حسابرسی طرح‌هایی که متقاضی انتشار عمومی اوراق مشارکت مشمول ثبت نزد سازمان هستند.

آنچه که این تبصره می‌گوید عبارت است از اینکه بورس و اوراق بهادار اجازه نمی‌دهد که موسسات حسابرسی بیش از ۴ سال متوالی حسابرسی مستقل و بازرسی شرکت‌های بورسی را انجام دهند. باشد، ولی این ۴ سال چگونه تعیین شده است؟ آیا برای محاسبه و تعیین آن نظرسنجی حرفه‌ای صورت گرفته است؟ آیا این عدد ۴ سال با محاسبات آماری و مبتنی بر روش‌های علمی تعیین شده است؟ در هر صورت تعیین هر عددی برای منظور فوق هزینه منافی را برای جامعه در پی دارد .

چرخش مدیران مسوول حسابرسی از گذشته مورد توجه انجمن‌های حرفه‌ای بوده و موسسات حسابرسی ملزم به رعایت آن بوده‌اند:

فدراسیون بین‌المللی حسابداری در استاندارد بین‌المللی کنترل کیفیت مورخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ چرخش شریک حسابرسی به جای چرخش موسسه حسابرسی را بعد از ۷ سال الزامی کرده و اشعار می‌دارد که راهکارهای ملی دوره چرخش شریک حسابرسی را می‌تواند کمتر یا بیشتر از ۷ سال تعیین کند.

کمیسیون اروپا در توصیه نامه مورخ ۱۶ ماه مه ۲۰۰۲ در باره استقلال حسابرسان در مجموعه اصول بنیادی چرخش شریک حسابرسی را نه تنها در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس‌های اوراق بهادار، بلکه در مورد کلیه شرکت‌های عام المنفعه بعد از ۷ سال و بازگشت شریک حسابرسی را بعد از ۲ سال، توصیه کرده است. در اتحادیه اروپا تنها کشور ایتالیا است که چرخش موسسه حسابرسی را بعد از ۷ سال الزامی می‌کند.

در کشور انگلستان، هیات رویه‌های حسابرسی در استانداردهای آیین رفتار حرفه‌ای تجدید نظر شده که از ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ لازم الاجرا شده است، چرخش شریک حسابرسی را با مجاز کردن دو سال اضافی دیگر بعد از ۵ سال الزامی کرده است.

در ایالات متحده آمریکا نیز وضع چنین بوده است که چرخش شرکا حسابرسی بعد از ۷ سال صورت می‌گرفته، اما در ۱۶ آگوست ۲۰۱۱ هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام^۱ به منظور افزایش استقلال، بی‌طرفی و شکاکیت حرفه‌ای چرخش الزامی موسسات حسابرسی را به عنوان یکی از روش‌های رسیدن به هدف مورد نظر خواهی حرفه‌ای قرار داده است. از علاقه‌مندان و ذی‌نفعان خواسته بود که نظرات خود را تا ۱۴ دسامبر ۲۰۱۱ به هیات اعلام کنند ضمن آنکه مقرر بود در ماه مارس ۲۰۱۲ میزگردی به همین منظور برگزار شود.

شایان ذکر است که بحث محدود کردن دوره تصدی حسابرس شامل دو مقوله مجزا می‌باشد. یکی تغییر در سطح کادر حسابرسی به‌خصوص در رده شرکا و مدیران و دیگری تغییر در سطح موسسه حسابرسی است (همیلتون و همکاران، ۲۰۰۵).^۲

کیفیت حسابرسی می‌تواند بر درک سرمایه‌گذار نسبت به ریسک اطلاعاتی تأثیر بگذارد زیرا حسابرسی‌هایی که دارای کیفیت بالا هستند، تأییدی که در مورد اطلاعات مالی ارائه می‌دهند، دقیق‌تر است و همچنین بیانگر نظارت دقیق می‌باشد (جوی و لی، ۲۰۱۴).^۳ با افزایش کیفیت حسابرسی، عدم قطعیت (ابهام) مربوط به کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده کاهش می‌یابد و این امر نشان‌دهنده‌ی پایین‌تر بودن ریسک اطلاعاتی و هزینه سرمایه سهام می‌باشد (بونه و همکاران، ۲۰۰۸). بر این اساس در پژوهش‌های گذشته معمولاً از هزینه سرمایه سهام به‌عنوان شاخصی برای درک سرمایه‌گذار نسبت به کیفیت حسابرسی استفاده شده است (کاسل و همکاران، ۲۰۱۳).^۴ در این پژوهش با استفاده از هزینه سرمایه سهام به‌عنوان معیاری برای کیفیت حسابرسی، بررسی می‌کنیم که آیا تفاوت هزینه سرمایه سهام بین مشتری‌های موسسات حسابرسی کوچک و بزرگ با دوره تصدی حسابرس تغییر می‌کند یا خیر؟

^۱ PCAOB

^۲ Hamilton, Ruddock, Stokes, Taylor

^۳ Choi & Lee

^۴ Cassell et al

۳. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر بیان شده است:

فرضیه اول: بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: دوره تصدی حسابرس رابطه بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی را تعدیل می‌نماید.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع شبه تجربی و در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری می‌باشد. همچنین روش پژوهش از نوع استقرایی و پس‌رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) و روش آماری آن رگرسیون خطی چندگانه با استفاده از داده‌های ترکیبی (روش تلفیقی) می‌باشد. اطلاعات واقعی و حسابرسی شده شرکت‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال استخراج و با اطلاعات صورت‌های مالی شرکت‌ها تطبیق یافته است و برای آماده‌سازی اطلاعات، از صفحه گسترده اکسل و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نسخه ۱۰ نرم‌افزار ایویوز^۱ استفاده شده است.

جامعه آماری موردنظر در این پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ (دوره ۶ ساله) می‌باشند. شرایط زیر برای انتخاب جامعه آماری لحاظ گردیده است:

۱. تاریخ پذیرش آن‌ها در بورس قبل از سال ۱۳۹۵ و تا پایان سال ۱۴۰۰ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.
۲. اطلاعات موردنیاز آن‌ها در دسترس باشد و سهام آن‌ها مورد معامله مستمر قرار گرفته و توقف نماد نداشته باشند.
۳. به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.

۴. به دلیل ساختار مالی متفاوت برخی مؤسسات بورسی، شرکت انتخابی جزء بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، لیزینگ‌ها و ... نباشد.

با توجه به شرایط ذکرشده، ۱۴۲ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شد. در مجموع تعداد ۸۵۲ مشاهده (سال- شرکت) مورد آزمون قرار گرفته شده است.

۵. الگو و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل تعدیل شده رگرسیونی برایان و رینولد^۲ (۲۰۱۶) استفاده شده است:

مدل (۱-۵)

$$\begin{aligned} \text{ERPit} = & \beta_0 + \beta_1 \text{BIGit} + \beta_2 \text{TENUREit} + \beta_3 (\text{TENUREit} * \text{BIGit}) + \beta_4 \text{SIZEit} + \beta_5 \text{MTBit} + \\ & \beta_6 \text{LEVERAGEit} + \beta_7 \text{DISPERSIONit} + \beta_8 \text{AGEit} + \beta_9 \text{ROAit} + \sum (\beta_{10} \text{SIZEit} + \beta_{11} \text{MTBit} + \\ & \beta_{12} \text{LEVERAGEit} + \beta_{13} \text{DISPERSIONit} + \beta_{14} \text{AGEit} + \beta_{15} \text{ROAit}) * \text{BIGit} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

^۱. Eviews

^۲ Brayan & Reynolds

که در آن:

ERPI_t: هزینه سرمایه شرکت i در سال t ؛

BIGI_t: اندازه حسابرِس شرکت i در سال؛

TENUREI_t: دوره تصدی حسابرِس شرکت i در سال t ؛

SIZE_{it}: لگاریتم طبیعی جمع دارایی های شرکت i در سال t ؛

MTBI_t: ارزش بازار سهام تقسیم بر ارزش دفتری سهام شرکت i در سال t ؛

LEVERAGEI_t: کل بدهی ها تقسیم بر کل دارایی ها شرکت i در سال t ؛

DISPERSIONI_t: برابر است با انحراف معیار سه سال آخر خطای پیش بینی سود هر سهم شرکت i در سال t . خطای

پیش بینی سود هر سهم برابر است با سود هر سهم واقعی منهای سود هر سهم واقعی تقسیم بر قیمت سهام در پایان سال.

AGEI_t: لگاریتم طبیعی تعداد سال هایی که شرکت i در سال t در بورس اوراق بهادار فعال بوده است؛

ROAI_t: سود خالص تقسیم بر کل دارایی ها شرکت i در سال t ؛

ε_{it} : باقیمانده ها (خطا) مدل پژوهش.

متغیرهای وابسته و نحوه محاسبه آنها

۱- هزینه سرمایه (ERPI_t): بر این اساس در پژوهش های گذشته معمولاً از هزینه حقوق صاحبان سهام به عنوان شاخصی برای درک سرمایه گذار نسبت به کیفیت حسابرِسی استفاده شده است (کاسل و همکاران، ۲۰۱۳). در این پژوهش هزینه حقوق صاحبان سهام به عنوان معیاری برای کیفیت حسابرِسی در نظر گرفته شده است. نرخ هزینه سهام است که بر اساس روش گوردن محاسبه می شود. در مدل داریم:

$$\text{ERP} = \frac{\text{Div}(1+g)}{P} + g \quad \text{رابطه (۱)}$$

ERP: هزینه سهام

Div: سود تقسیم شده دوره جاری

P: قیمت سهام در پایان دوره

g: نرخ رشد برآورد شده سهام می باشند. در مدل رشد گوردن نرخ رشد (g) برآورد شده سهام است که بر اساس فروض این مدل این نرخ، نرخ ثابت است که با توجه به اطلاعات سالهای گذشته شرکتها برآورد می شود. نرخ رشد سود تقسیمی که از رابطه زیر بدست می آید (استو و همکاران، ۲۰۰۶):

$$G = \text{ROE} * (1-b) \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در آن ROE قدر مطلق نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (سود خالص تقسیم حقوق صاحبان سهام) و b درصد سود تقسیمی (DPS/EPS) است.

متغیر مستقل و نحوه محاسبه آن

۱- اندازه حسابرس (BIGIt): یک متغیر مجازی است و اشاره به این دارد که اگر حسابرس مستقل یک شرکت سازمان حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

۲- دوره تصدی حسابرس (TENUREIt): طبق پژوهش‌های قبلی (پیرر، ۱۹۸۴ و الموتاری و همکاران، ۲۰۰۹) دوره تصدی حسابرس کوتاه مدت تعریف می‌شود زمانی که حسابرس حسابرسی صورت‌های مالی شرکت را برای مدت دو یا سه سال در اختیار داشته باشد. دوره تصدی حسابرس زمانی بلند مدت تعریف می‌شود که حسابرس صورت‌های مالی یک شرکت را برای مدت نه یا ده سال در اختیار داشته باشد. بر مبنای این دو تعریف دوره حسابرسی میان مدت دوره زمانی است که حسابرس صورت‌های مالی یک شرکت را به مدت چهار تا هشت سال انجام دهد. دوره تصدی حسابرس برابر است با مدت رابطه صاحبکار- حسابرس بر اساس سال است.

متغیرهای کنترلی و نحوه محاسبه آن‌ها

- ۱- اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های هر شرکت در هر سال.
- ۲- رشد شرکت (MTB): ارزش بازار سهام تقسیم بر ارزش دفتری سهام.
- ۳- اهرم مالی (LEVERAGE): کل بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌ها.
- ۴- ریسک خطای پیش بینی سود هر سهام (DISPERSION): برابر است با انحراف معیار سه سال قبل خطای پیش‌بینی سود هر سهم. خطای پیش‌بینی سود هر سهم برابر است با سود هر سهم واقعی منهای سود هر سهم واقعی تقسیم بر قیمت سهام در پایان سال.
- ۵- عمر شرکت (AGE): لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار فعال بوده است.
- ۶- نرخ بازده دارایی‌ها (ROA): برابر است با نسبت سود خالص به دارایی‌ها.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره ۶-۱ آورده شده است که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر مقدار حداقل، حداکثر، میانگین، میانه و همچنین، اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی، نظیر انحراف معیار است. مهمترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. میانگین هزینه سرمایه (کیفیت حسابرسی) تقریباً ۰/۱۴۱، میانه ۰/۰۷۱، دارای حداقل مقدار ۰/۰۰۱ و حداکثر مقدار ۰/۴۴۱ که انحراف معیاری در حدود ۰/۱۵۶ دارد. این نشان می‌دهد که میزان نرخ هزینه سرمایه در شرکت‌های مورد بررسی به طور متوسط حدود ۱۴ درصد بوده است. میانگین اندازه حسابرس تقریباً ۰/۲۴۰، میانه ۰، دارای حداقل

مقدار ۰ و حداکثر مقدار ۱ که انحراف معیاری در حدود ۰/۴۲۷ دارد. این نشان می دهد که حدود ۲۴ درصد از شرکت های مورد بررسی توسط سازمان، حسابرِسی شده اند.

میانگین دوره تصدی حسابرِس تقریباً ۵/۷۴۴، میانه ۴، دارای حداقل مقدار ۱ و حداکثر مقدار ۱۵ که انحراف معیاری در حدود ۴/۴۱۳ دارد. این نشان می دهد که دوره تصدی هر حسابرِس به طور متوسط حدود ۶ سال بوده است. میانگین اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی دارایی ها) تقریباً ۱۳/۹۹۹، میانه ۱۳/۸۴۴، دارای حداقل مقدار ۱۰/۵۰۴ و حداکثر مقدار ۱۹/۱۰۶ که انحراف معیاری در حدود ۱/۳۵۱ دارد. این نشان می دهد که میزان متوسط اندازه شرکت در نمونه مورد بررسی حدود ۱۳/۹۹۹ بوده است. میانگین متغیر رشد شرکت (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام) تقریباً ۴/۴۴۳ و میانه ای در حدود ۳/۲۹۰ دارد. مقدار انحراف معیار آن ۳/۱۲۷ بوده، حداقل و حداکثر مقدار آن به ترتیب ۰/۴۴۹ و ۹/۳۴۹ است. این مویِد این مطلب است که متوسط میزان ارزش بازار حقوق صاحبان سهام حدود ۴,۴ برابر ارزش دفتری آنها بوده است. میانگین (انحراف معیار) شاخص اهرم مالی نیز تقریباً ۰/۶۵۹ (۰/۱۹۱) است. این نشان می دهد که به طور متوسط معادل ۶۶ درصد ساختار دارایی های شرکت های مورد مطالعه از بدهی تشکیل شده است.

میانگین (انحراف معیار) عمر شرکت در بورس نیز تقریباً ۱۷/۷۶۰ (۷/۶۱۶) است. این نشان می دهد که عمر شرکت در بورس طور متوسط حدود ۱۷ سال بوده است. به علاوه، میانگین (انحراف معیار) نرخ بازده دارایی ها نیز تقریباً ۰/۰۷۶ (۰/۱۴۳) است. این نشان می دهد که به ازای یک ریال سرمایه گذاری در دارایی های شرکت معادل ۰/۰۷ ریال بازدهی کسب شده است.

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
هزینه سرمایه (ERP_{it})	۰/۱۴۱	۰/۰۷۱	۰/۱۵۶	۰/۰۰۱	۰/۴۴۱
اندازه حسابرِس (BIG_{it})	۰/۲۴۰	۰	۰/۴۲۷	۰	۱
دوره تصدی حسابرِس ($TENURE_{it}$)	۵/۷۴۴	۴	۴/۴۱۳	۱	۱۵
اندازه شرکت ($SIZE_{it}$)	۱۳/۹۹۹	۱۳/۸۴۴	۱/۳۵۱	۱۰/۵۰۴	۱۹/۱۰۶
رشد شرکت (MTB_{it})	۴/۴۴۳	۳/۲۹۰	۳/۱۲۷	۰/۴۴۹	۹/۳۴۹
اهرم مالی ($LEVERAGE_{it}$)	۰/۶۵۹	۰/۶۶۷	۰/۱۹۱	۰/۲۰۳	۰/۹۵۵
نوسان خطای پیش بینی سود مدیران ($DISPERSION_{it}$)	۰/۱۵۷	۰/۰۷۶	۰/۲۰۴	۰/۰۰۴	۰/۷۹۱
عمر شرکت (AGE_{it})	۱۷/۷۶۰	۱۷	۷/۶۱۶	۶	۴۸
نرخ بازده دارایی ها (ROA_{it})	۰/۰۷۶	۰/۰۶۸	۰/۱۴۳	-۰/۴۵۰	۰/۴۴۱

مأخذ: یافته های پژوهش

۲-۶. آمار استنباطی

۱-۲-۶. تحلیل نتایج فرضیه‌های پژوهش

به منظور آزمون هر یک از فرضیه‌ها، ابتدا روش مناسب جهت برازش مدل انتخاب می‌شود. بین روش رگرسیون خطی ساده رگرسیون، روش رگرسیون خطی ساده با عامل زمان، روش پانلی اثرات ثابت، روش پانلی اثرات تصادفی و روش پانلی داده‌های ادغام شده روش مناسب جهت برازش مدل انتخاب شده و پس از برازش مدل ضرایب برآورد شده و معنی‌داری آن‌ها گزارش می‌شود.

آزمون ریشه واحد (مانایی متغیرها)

در داده‌های سری زمانی معمولاً از آزمون‌هایی همچون دیکی-فولر و دیکی-فولر تعمیم یافته برای بررسی مانایی متغیرها (آزمون ریشه واحد) استفاده می‌شود. با این حال در مورد داده‌های پانلی نمی‌توان برای بررسی مانایی متغیرها از چنین آزمون‌هایی استفاده نمود بلکه لازم است به نحوی مانایی جمعی متغیرها آزمون شود. برای این منظور باید از آزمون هادری^۱ استفاده شود. طبق این آزمون بایستی برای برقراری این فرض سطح معناداری زیر ۵ درصد باشد. همانگونه که در نگاره ۲ ملاحظه می‌گردد، سطح معناداری و آماره Z مربوط به متغیرهای تحقیق بیانگر مانایی متغیرهای تحقیق می‌باشد.

نگاره ۲: نتیجه آزمون هادری پژوهش

فرضیه صفر (H_0)	آماره Z	سطح معناداری	نتیجه آزمون
متغیرهای پژوهش مانا نیستند	۱/۲۰۳	۰/۰۰۰	فرضیه H_0 رد می‌شود و متغیرهای مدل مانا هستند.

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون F لیمر (چاو) بین روش OLS و اثرات ثابت

آزمون F لیمر بیانگر این مطلب است که در سطح خطای ۵ درصد مابین روش رگرسیون معمولی (با در نظر گرفتن و بدون اثر زمان) و روش پانلی اثرات ثابت، باید از روش داده‌های پانلی اثرات ثابت استفاده شود ($p < 0.001$).

نگاره ۳: آزمون F لیمر (انتخاب روش مناسب بین روش OLS و پانلی اثرات ثابت)

فرضیه صفر (H_0)	آماره F	سطح معناداری	نتیجه آزمون
استفاده از روش OLS با در نظر گرفتن اثر زمان	۵/۹۵۶	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود
نسبت به روش پانلی اثرات ثابت ارجح است			(روش پانلی اثرات ثابت بهتر است)

منبع: یافته‌های پژوهش

حال می‌بایست، بین مدل‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی با استفاده از آزمون هاسمن مدل مناسب‌تر انتخاب شود. اگر در آزمون هاسمن، سطح معناداری زیر ۵ درصد باشد، روش اثرات ثابت ارجحیت دارد.

¹ Hadry

نگاره ۴: آزمون هاسمن (انتخاب روش مناسب بین پانلی اثرات ثابت و پانلی اثرات تصادفی)

فرضیه صفر (H_0)	آماره کای دو	سطح معناداری	نتیجه آزمون
استفاده از روش پانلی اثرات تصادفی نسبت به روش پانلی اثرات ثابت ارجح است	۱۰۲/۴۲۸	۰/۰۰۰	H_0 رد می شود (روش پانلی اثرات ثابت بهتر است)

منبع: یافته‌های پژوهش

باتوجه به نتایج به دست آمده از آزمون هاسمن چون P - مقدار آزمون کمتر از ۵ درصد می باشد، لذا روش پانلی اثرات ثابت مناسب تر است. اکنون برای آزمون مدل داده‌های ادغام شده در مقابل روش پانلی آثار تصادفی از آزمون بروش پاگان (LM) استفاده شده است.

نگاره ۵: آزمون بروش پاگان (انتخاب روش مناسب بین پانلی اثرات ثابت و پانلی داده های ادغام شده)

فرضیه صفر (H_0)	آماره کای دو	سطح معناداری	نتیجه آزمون
اثر زمان قابلیت ادغام دارد (مدل داده‌های ادغام شده مناسب است)	۱/۵۳۴	۰/۰۲۲	H_0 رد می شود (روش پانلی اثرات ثابت بهتر است)

منبع: یافته‌های پژوهش

بنابراین، با توجه به جدول ۵ مدل اثرات ثابت باید به داده ها برازش یابد. در ذیل فرضیه زیربنای این مدل مورد بررسی قرار می گیرد.

بررسی مناسب بودن مدل پانلی

برای استفاده از روش های پانلی فرضیه زیر بنایی استفاده از روش پانلی مورد بررسی قرار بگیرد. شرط استفاده از روش پانلی این است که باقیمانده های مدل خودهمبستگی سریالی نداشته باشند. چنانچه باقیمانده های مدل خودهمبستگی سریالی داشته باشند نمی توان از روش پانلی استفاده کرد و می بایست از روش پانلی تعمیم یافته استفاده کرد. روش های پانلی تعمیم یافته فرضیه زیربنایی ندارند و ضریب R^2 برای آنها گزارش نمی شود.

برای بررسی خود همبستگی سریالی خطاهای مدل از آزمون بروش گادفری استفاده می شود که فرضیه صفر آن بیانگر این است که بین خطاهای مدل خودهمبستگی سریالی وجود ندارد و در فرضیه مخالف آن خودهمبستگی سریالی بین خطاها وجود دارد. نتایج این آزمون برای مدل پانل با اثرات ثابت به صورت زیر است:

جدول ۶: آزمون بروش گادفری برای بررسی وجود خود هم بستگی سریالی

فرضیه صفر (H_0)	آماره ی کای دو	P-مقدار	نتیجه ی آزمون
خود همبستگی سریالی وجود دارد	۱/۱۴۸	۰/۵۰۳	H_0 رد می شود (خود همبستگی سریالی وجود ندارد)

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به اینکه P -مقدار آزمون بروش گادفری که نتایج آن در جدول شماره ۶ آمده است بیشتر از ۵٪ می باشد، لذا فرضیه صفر رد می شود و خودهمبستگی سریالی وجود ندارد.

آزمون همخطی متغیرهای پژوهش

برای بررسی هم خطی بین متغیرهای مستقل از عامل تورم واریانس^۱ استفاده شد. هر چه پراکندگی کم باشد اطلاعات مربوط به متغیر کم بوده و مشکلاتی در استفاده از رگرسیون ایجاد می شود. عامل تورم هر چقدر افزایش یابد باعث می شود واریانس ضرایب رگرسیون افزایش یافته و رگرسیون را برای پیش بینی نامناسب می سازد. تجربیات عملی حاکی از این است که اگر عامل تورم واریانس (VIF) بزرگتر از عدد ۵ باشد، مبین وجود یک خطر احتمالی است و در صورتی که بزرگتر از ۱۰ باشد، یک خطر جدی را یادآور می شود و حکایت از آن دارد که ضرایب رگرسیونی مربوطه به علت هم خطی چندگانه به صورت ضعیفی برآورد شده اند. وقتی پراکندگی نزدیک به صفر است، همبستگی چندخطی بالایی وجود دارد و انحراف استاندارد رگرسیون متورم خواهد شد. نتایج بررسی عامل تورم واریانس مدل اول در جدول ۶-۸ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می شود عامل تورم واریانس کلیه متغیرها کمتر از ۵ می باشد و نشان می دهد مشکل همبستگی چندخطی وجود ندارد.

آزمون ناهمسانی واریانس

یکی از مفروضات معادله رگرسیون، ثابت بودن واریانس جملات پسماند می باشد که به عنوان فرض همسانی واریانس شناخته می شود. در صورتیکه جملات پسماند، واریانس ثابتی نداشته باشند گفته می شود، واریانس ناهمسانی وجود دارد. این مشکل بیشتر در داده های مقطعی دیده می شود. یکی از آزمون های مورد بررسی برای ناهمسانی واریانس استفاده از آزمون وایت است. طبق نتایج جدول ۷، چون سطح معناداری بالای ۵ درصد است، لذا ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

نگاره ۷: نتیجه آزمون وایت در سطح خطای ۵٪

فرضیه صفر (H_0)	آماره F	سطح معناداری	نتیجه آزمون
ناهمسانی واریانس وجود دارد	۱/۵۶۹	۰/۴۱۸	H_0 رد می شود ناهمسانی واریانس وجود ندارد

منبع: یافته های پژوهش

^۱ Variance Inflation Factor

بررسی نتایج فرضیه اول و دوم

نتایج برآورد ضرایب مدل و آزمون معنی داری آن‌ها در جدول ۶-۸ ارائه شده است.

نگاره ۸. نتایج آزمون آماری فرضیه‌های پژوهش

$$ERP_{it} = \beta_0 + \beta_1 BIG_{it} + \beta_2 TENURE_{it} + \beta_3 (TENURE_{it} * BIG_{it}) + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 LEVERAGE_{it} + \beta_7 DISPERSION_{it} + \beta_8 AGE_{it} + \beta_9 ROA_{it} + \sum (\beta_{10} SIZE_{it} + \beta_{11} MTB_{it} + \beta_{12} LEVERAGE_{it} + \beta_{13} DISPERSION_{it} + \beta_{14} AGE_{it} + \beta_{15} ROA_{it}) * BIG_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته: هزینه سرمایه (کیفیت حسابرِسی)

متغیر	ضریب	انحراف معیار خطا	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	-0.618597	0.027923	-22.15349	0.0000	-
BIG _{it}	0.126223	0.020959	6.022486	0.0000	1.786782
TENURE _{it}	0.002099	0.001193	1.760119	0.0787	2.343081
TENURE _{it} *BIG _{it}	-0.006841	0.002258	-3.029276	0.0025	1.081176
SIZE _{it}	0.061040	0.001851	32.97661	0.0000	1.711611
MTB _{it}	-0.008033	0.001000	-8.029679	0.0000	2.296108
LEVERAGE _{it}	-0.133011	0.019323	-6.883596	0.0000	2.525622
DISPERSION _{it}	-0.057928	0.018261	-3.172195	0.0016	2.289901
AGE _{it}	-0.001889	0.000344	-5.490846	0.0000	1.289247
ROA _{it}	0.202023	0.035578	5.678321	0.0000	3.496359
SIZE _{it} *BIG _{it}	0.012670	0.004666	2.715419	0.0068	1.355168
MTB _{it} *BIG _{it}	-0.007226	0.002902	-2.489984	0.0130	2.619696
LEVERAGE _{it} *BIG _{it}	0.009840	0.073471	0.133934	0.8935	4.875214
DISPERSION _{it} *BIG _{it}	-0.053057	0.043552	-1.218262	0.2235	3.823577
AGE _{it} *BIG _{it}	-0.002053	0.001219	-1.684086	0.0925	3.910989
ROA _{it} *BIG _{it}	0.128172	0.121833	1.052027	0.2931	3.201871
ضریب تعیین تعدیل شده	0.468257		آماره F	68.73784	
آماره دوربین واتسون	1.965288		سطح معناداری	0.000000	
آزمون جارک-برا (سطح معناداری)	0.2564		نتیجه آزمون	نرمال است	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول این پژوهش به این صورت مطرح شد که "بین اندازه حسابرِس و کیفیت حسابرِسی ارتباط معناداری وجود دارد." به طور کلی در هنگام تدوین فرض H0 و H1 باید دقت گردد که فرض ادعا در H1 قرار گرفته و فرض خلاف ادعا در H0 قرار می‌گیرد. اگر سطح معناداری زیر ۵٪ باید باشد، فرض ادعا در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود و اگر

سطح معناداری بالای ۵٪ باشد، فرض مقابل یا H_0 تأیید خواهد شد. در آزمون فرضیه اول، فرض H_0 و H_1 به صورت زیر ارائه شده است:

H_0 : بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود ندارد.

H_1 : بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.

در نگاره ۸، ضریب متغیر اندازه حسابرس (BIGit) معادل ۰/۱۲۶ و آماره t معادل ۶/۰۲۲ می باشد که در سطح (۰/۰۰۰) معنادار می باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می شود. این نتیجه نشان می دهد که شرکتهایی که توسط سازمان حسابرسی شده اند از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار بوده اند. به عبارتی، شرکتهایی که توسط سازمان حسابرسی، رسیدگی شده اند، از هزینه سرمایه بالاتری برخوردار بوده اند. شاید بتوان مهمترین دلیل آنرا این مهم دانست که اکثر شرکتهایی که توسط سازمان حسابرسی به عنوان یک شرکت حسابرسی دولتی حسابرسی شده اند، اساساً شرکتهای بزرگ و دولتی هستند. لذا، هزینه سرمایه این شرکتها بالاتر است. لذا فرضیه اول پژوهش تأیید شد و نتایج آن با تحقیق برایان و رینولد^۱ (۲۰۱۶) نیز مطابقت دارد.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم تحقیق به این شکل مطرح گردیده است که " دوره تصدی حسابرس رابطه بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی را تعدیل می نماید." فرض H_0 و H_1 این فرضیه به صورت زیر ارائه شده است:

H_0 : دوره تصدی حسابرس رابطه بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی را تعدیل نمی نماید.

H_1 : دوره تصدی حسابرس رابطه بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی را تعدیل می نماید.

در نگاره ۸، ضریب متغیر اثر تعدیل کننده دوره تصدی حسابرس بر رابطه بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی (TENUREit*BIGit) معادل ۰/۰۰۶- و آماره t معادل ۳/۰۲۹- می باشد که در سطح (۰/۰۰۲) معنادار می باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می شود. این نتیجه نشان می دهد که دوره تصدی حسابرسی رابطه بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی را کاهش داد. این نتیجه نشان می دهد که با افزایش دوره تصدی حسابرسی، در شرکتهایی که توسط سازمان حسابرسی شده اند (اندازه حسابرس)، هزینه سرمایه کمتر شده است (کیفیت حسابرسی کاهش یافته است). لذا فرضیه دوم پژوهش تأیید شد و نتایج آن با تحقیق برایان و رینولد (۲۰۱۶) نیز مطابقت دارد.

همچنین، نتایج متغیر کنترلی اندازه شرکت (SIZEit) و متغیر نرخ بازده دارایی ها (ROAit) نشان می دهد که شرکتهای بزرگتر به دلیل دسترسی بالاتر به منابع مالی، از هزینه سرمایه ای بالاتری برخوردارند. همچنین، شرکتهایی که عملکرد بهتری داشته اند، نیز هزینه سرمایه ای بالاتری نیز برخوردار بوده اند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین متغیرهای رشد شرکت (MTBit)، اهرم مالی (LEVERAGEit)، ریسک خطای پیش بینی سود (DISPERSIONit) و

¹ Brayan & Reynolds

عمر شرکت (AGEit) با کیفیت حسابرِسی (هزینه سرمایه) رابطه منفی معنادار وجود دارد. به عبارتی، شرکت‌هایی که رشد بالاتری داشته‌اند، احتمالاً از کیفیت حسابرِسی پایین‌تری برخوردارند. همچنین، شرکت‌هایی که از اهرم مالی بالاتری برخوردار بوده‌اند، احتمالاً از کیفیت حسابرِسی پایین‌تری برخوردار بوده‌اند. شواهد پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش ریسک پیش‌بینی سود، کیفیت حسابرِسی کاهش یافته است. همچنین، با افزایش عمر شرکت‌ها، هزینه سرمایه (هزینه حسابرِسی) کمتر می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری و بحث

حسابرِسی صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود. حسابرسان مستقل از طریق اعتبار دهی به صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مورد رسیدگی آلودگی‌ها را از اطلاعات مالی می‌زدایند و موجب شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. بر همین اساس، حسابرِسی صورت‌های مالی توسط حسابرسان مستقل به عنوان یکی از الزامات اصلی بورس‌های مختلف دنیا به شمار می‌آید (بولو و همکاران، ۱۳۸۹).

یکی از مهم‌ترین عملکردهای حسابرِسی باکیفیت، افزایش قابلیت اعتماد به گزارش مالی است (بونه، خورانا و رامان، ۲۰۰۸). اگرچه مسئولیت اصلی تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت شرکت است در پی رسوایی‌های مالی اخیر در سطح جهان و بروز نگرانی‌هایی در مورد توان اتکای صورت‌های مالی، انگشت اتهام به سوی حسابرسان نشانه رفته است تا جایی که عموماً از این وقایع به عنوان «شکست حسابرِسی» یاد می‌شود. تلقی عموم این است که نبودن استقلال و کیفیت ضعیف حسابرِسی موجب وقوع چنین وقایعی شده است (لی، ۲۰۰۷). این نگرانی‌ها در مورد استقلال حسابرسان، باعث شد کمیته‌های نظارتی مربوط به بورس‌های اوراق بهادار به فکر راه حل باشند؛ به عنوان مثال، کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا، هیئت تدوین استانداردهای مربوط به استقلال را در سال ۲۰۰۰ تأسیس و همچنین قوانین محدودکننده‌ای تدوین کرد که نوع خدماتی را که مؤسسات حسابرِسی می‌توانند به صاحب‌کاران خود پیشنهاد کنند، تدوین نماید (کمیسیون اوراق بهادار آمریکا، ۲۰۰۰).

علاوه بر این، قانون چرخش اجباری حسابرسان و محدود کردن دوره تصدی آن‌ها، در برخی کشورها تصویب شد؛ به عنوان مثال، می‌توان به تصویب قانون ساربینز-آکسلی در جولای ۲۰۰۲ اشاره کرد. بخش ۲۰۳ این قانون، مؤسسات حسابرِسی را ملزم می‌کند شریکان و مدیران خود را بعد از پنج سال پی‌درپی کار حسابرِسی برای یک صاحب‌کار تغییر دهند. الزام سازمان بورس و اوراق بهادار تهران به تغییر حسابرِس شرکت‌ها مسلماً ناشی از نگرانی دست‌اندرکاران و مسئولان بازار سرمایه در مورد استقلال، کیفیت حسابرِسی و... است. بنابر تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرِسی معتمد سازمان بورس مصوب ۱۳۸۶/۵/۸ شورای عالی بورس، مؤسسات حسابرِسی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال، دوباره سمت حسابرِس مستقل و بازرِس قانونی شرکت واحدی را بپذیرند (قانون بازار سرمایه).

از سویی، به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران به طور منفی به تصمیمات چرخش مؤسسات حسابرسی (اجباری یا اختیاری) واکنش نشان دهند. شاید آنها بر این عقیده باشند که هر گونه منافع بالقوه چرخش، همچون بهبود استقلال، به احتمال زیاد به هزینه‌های آن نمی‌چربد (هم هزینه‌های مستقیم و هم غیر مستقیم). همچنین به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاران به چرخش به عنوان یک ویژگی نامطلوب برای شرکت‌هایی که توسط حسابرسان بزرگ (در اینجا، سازمان حسابرسی) حسابرسی شده‌اند و شرکت‌هایی که دارای یک رابطه طولانی مدت با حسابرسان هستند، می‌نگرند.

موضوع گزارش سال ۲۰۱۴ هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های دولتی^۱، با محوریت "حفاظت سرمایه‌گذار" منتشر شده است. استقلال حسابرسان برای کارآمدی حفاظت از سرمایه‌گذاران برای حسابرسان ضروری است. با این حال، بحث دیرینه‌ای وجود دارد که آیا دوره تصدی نامعین، کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد. یک راه‌حل جایگزین برای حل این مشکل چرخش اجباری یا اختیاری موسسه حسابرسی است.

تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۵/۸ و اصلاحیه مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۷ شورای عالی بورس و اوراق بهادار الزام می‌کند: «مؤسسات حسابرسی و شرکای مسوول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی فوق مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال متوالی، بار دیگر سمت حسابرسان مستقل و بازرس قانونی شرکت یادشده را بپذیرند. پذیرش مجدد حسابرسی اشخاص یادشده پس از سپری شدن حداقل ۲ سال از پایان دوره ۴ ساله مزبور مجاز است».

با وجود دوره‌ای بودن چرخش اجباری موسسه حسابرسی، آن همچنان برای محققان ناشناخته باقی مانده است که چگونه چرخش موسسه حسابرسی (اجباری یا اختیاری) و دوره تصدی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی اثرگذار است. ما این خلاء را با بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران پر کردیم.

از عوامل دیگر اثرگذار بر کیفیت حسابرسان می‌توان بر اندازه حسابرسان اشاره کرد. از حسن شهرت و مراقبت حرفه‌ای برای حفظ ویژگی‌های واقعی کیفیت حسابرسی و کیفیت درک شده استفاده می‌شود. پس می‌توان گفت حسن شهرت حسابرسان چگونگی درک ذی‌نفعان از اطلاعات مذکور را متأثر می‌سازد و حسن شهرت حسابرسان به درک بازار از شایستگی و بی‌طرفی (استقلال ظاهری) حسابرسان مرتبط می‌شود. این امر توانایی حسابرسان برای افزایش اعتبار صورت‌های مالی (حتی در صورت فقدان اطلاعات با کیفیت) را نمایش می‌دهد.

در کل در پژوهش‌های صورت گرفته در ایران، سازمان حسابرسی را به عنوان موسسه بزرگ و دارای اعتبار و شهرت بالا در ایران در نظر می‌گیرند، بنابراین شرکت‌های حسابرسی شده به وسیله سازمان حسابرسی به عنوان شرکت‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که اقلام صورت‌های مالی آنها از اعتبار بالایی برخوردار بوده و در نهایت کیفیت حسابرسی بالاتری خواهند داشت. در مقابل، شرکت‌های حسابرسی شده به وسیله سایر مؤسسات حسابرسی (مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداری رسمی) در نظر گرفته می‌شود که اندازه آنها نسبت به سازمان کوچکتر است. این مؤسسات

¹ Public Company Accounting Oversight Board's (PCAOB or Board)

حسابرِسی در مقابل سازمان حسابرِسی از میزان اعتبار دهی کمتری برخوردار بوده و در نهایت کیفیت حسابرِسی پایین تری از لحاظ حفظ استقلال، آموزش کارکنان و غیره خواهند داشت.

با توجه به اینکه تغییر کاهش دوره تصدی حسابرِس به عنوان ابزاری برای تقویت استقلال حسابرِس و افزایش کیفیت حسابرِسی تلقی می گردد، این موضوع، طی سال های اخیر به زمینه با اهمیتی در تحقیقات حسابرِسی تبدیل شده است. مدافعان کاهش دوره تصدی حسابرِس بر این باورند که در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می گیرند که خواهند توانست در مقابل فشارها و خواسته های مدیران مقاومت و قضاوت بیطرفانه تری را اعمال کنند (ملکیان و عبدی پور، ۱۳۹۳). مدافعان، ایجاد نگاه تازه ای به صورتهای مالی ارایه شده توسط صاحبکار و افزایش استقلال حسابرِسی و کشف تحریف های موجود در صورتهای مالی را به عنوان دلایل دفاع از کاهش دوره تصدی نامعین می دانند. طرفداران تغییر ادواری حسابرِس و مؤسسات حسابرِسی، مدت تصدی طولانی حسابرِس، بیطرفی و استقلال وی را خدشه دار می نماید. مخالفان چرخش اجباری حسابرسان، مقررات قانونی، شکایت های قضایی و انگیزه های حسابرسان جهت حفظ شهرت را به عنوان دلایل عدم نیاز به چرخش اجباری حسابرسان بر می شمردند. مخالفان تغییر ادواری حسابرِس و مؤسسات حسابرِسی بر این اعتقاد هستند که این امر منجر به افزایش هزینه حسابرِسی شده و انگیزه های حسابرسان در پذیرش حسابرِسی صنایع خاص را کاهش می دهد. ضمن آنکه به دلیل کاهش شناخت حسابرِس از صاحب کار، کیفیت حسابرِسی نیز کاهش می یابد. از سوی دیگر به نظر انجمن حسابداران رسمی آمریکا^۱ چرخش اجباری حسابرسان می تواند منجر به کاهش کیفیت حسابرِسی و افزایش هزینه ها برای سرمایه گذاران و صاحبکار شود (دیویس و همکاران^۲، ۲۰۰۰).

مؤسسات حسابرِسی بزرگ به طور واضح منابع بیشتری را برای هدایت آزمون های حسابرِسی دارند. اکثر پژوهش های تجربی کیفیت محصول این فرض هستند که حسابرسان بزرگ تر (دارای نام تجاری) در مقایسه با حسابرسان کوچک تر (فاقد نام تجاری) توانایی نظارت بیشتری دارند. ذخایر احتیاطی برای صاحبکارانی که حسابرسان صاحب نامی ندارند در مقام مقایسه با حسابرسان صاحب نام (بزرگ و دارای نام تجاری) بیشتر است. دی آنجلو کیفیت حسابرِسی را با واژه اعتبار حسابرِس تعریف کرده است. او اظهار می دارد که ذی نفعان می توانند از اندازه مؤسسه حسابرِسی به عنوان جانشین حسن شهرت حسابرِس استفاده نمایند. وی استدلال می کند که اگر به کارگیری صاحبکار خاص در میان صاحبکاران حسابرِسی خاص یکسان است، آنگاه حسابرسان بزرگتر که تعداد صاحبکاران بیشتری دارند، در راستای تلاش برای حفظ هر صاحبکار انگیزه کمی برای قصور در افشاء تحریف کشف شده دارند، مطالعات بررسی کننده رابطه اجزای کیفیت سود مشخص می کنند که اگرچه صاحبکاران حسابرِسی شده توسط حسابرسان دارای نام تجاری

^۱ Accountants American Institute of Certified Public (AICPA)

^۲ Davis et al

می توانند انگیزه های بیشتری برای مدیریت سود داشته باشند، اما حسابرسان دارای نام تجاری مدیریت سود را محدود می نمایند (حساس یگانه و قنبریان، ۱۳۸۵، ص ۶).

در واقع از دیدگاه حسابرسان، اندازه حسابرسی یکی از ویژگی هایی است که بر کیفیت حسابرسی اثر دارد. دی آنجلو معتقد است که مؤسسات حسابرسی بزرگتر، خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر ارائه می کنند، زیرا علاقه مند هستند که شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند و از آنجا که تعداد مشتریان شان زیاد است نگران از دست دادن آن ها نمی باشند. تصور بر این است که چنین مؤسساتی به دلیل دسترسی به منافع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون های مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می کنند (نمایان و کوهنشین، ۱۳۹۴).

همان طور که اشاره شد، مهمترین شاخص اندازه گیری حسن شهرت حسابرس، اندازه مؤسسه حسابرسی است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند طوری که هر چه اندازه حسابرس بزرگتر باشد کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد بود. شرکت های با اندازه حسابرسی بزرگ تر علاوه بر شهرت و اعتبارشان، در امر آموزش کارکنان و حفظ استقلال (ظاهری و واقعی) در برابر صاحبکاران و دیگر موارد مهم اثر گذار در افزایش کیفیت حسابرسی موفق عمل می کنند. شایان ذکر است که بحث محدود کردن دوره تصدی حسابرس شامل دو مقوله مجزا می باشد. یکی تغییر در سطح کادر حسابرسی به خصوص در رده شرکا و مدیران و دیگری تغییر در سطح مؤسسه حسابرسی است (همیلتون و همکاران، ۲۰۰۵).^۱

کیفیت حسابرسی می تواند بر درک سرمایه گذار نسبت به ریسک اطلاعاتی تأثیر بگذارد زیرا حسابرسی هایی که دارای کیفیت بالا هستند، تأییدی که در مورد اطلاعات مالی ارائه می دهند، دقیق تر است و همچنین بیانگر نظارت دقیق می باشد (جوی و لی، ۲۰۱۴).^۲ با افزایش کیفیت حسابرسی، عدم قطعیت (ابهام) مربوط به کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده کاهش می یابد و این امر نشان دهنده ی پایین تر بودن ریسک اطلاعاتی و هزینه سرمایه سهام می باشد (بونه و همکاران، ۲۰۰۸). بر این اساس در پژوهش های گذشته معمولاً از هزینه سرمایه سهام به عنوان شاخصی برای درک سرمایه گذار نسبت به کیفیت حسابرسی استفاده شده است (کاسل و همکاران، ۲۰۱۳). در این پژوهش با استفاده از هزینه سرمایه سهام به عنوان معیاری برای کیفیت حسابرسی، بررسی می کنیم که آیا تفاوت هزینه سرمایه سهام بین مشتری های مؤسسات حسابرسی کوچک و بزرگ با دوره تصدی حسابرس تغییر می کند یا خیر؟

فرضیه های این تحقیق و نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش به صورت زیر است:

فرضیه اول این پژوهش به این صورت مطرح شد که " بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد." به طور کلی در هنگام تدوین فرض H_0 و H_1 باید دقت گردد که فرض ادعا در H_1 قرار گرفته و فرض خلاف ادعا در H_0 قرار می گیرد. اگر سطح معناداری زیر ۵٪ باید باشد، فرض ادعا در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می شود و اگر

¹ Hamilton et al

² Choi & Lee

سطح معناداری بالای ۵٪ باشد، فرض مقابل یا H_0 تأیید خواهد شد. در آزمون فرضیه اول، فرض H_0 و H_1 به صورت زیر ارائه شده است:

H_0 : بین اندازه حسابرِس و کیفیت حسابرِسی ارتباط معناداری وجود ندارد.

H_1 : بین اندازه حسابرِس و کیفیت حسابرِسی ارتباط معناداری وجود دارد.

شواهد حاصل از آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرِسی شده‌اند از کیفیت حسابرِسی بالاتری برخوردار بوده‌اند. به عبارتی، شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرِسی، رسیدگی شده‌اند، از هزینه سرمایه بالاتری برخوردار بوده‌اند. شاید بتوان مهمترین دلیل آنرا این مهم دانست که اکثر شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرِسی به عنوان یک شرکت حسابرِسی دولتی حسابرِسی شده‌اند، اساساً شرکت‌های بزرگ و دولتی هستند. لذا، هزینه سرمایه این شرکت‌ها بالاتر است. لذا فرضیه اول پژوهش تأیید شد و نتایج آن با تحقیق برایان و رینولد^۱ (۲۰۱۶) نیز مطابقت دارد.

فرضیه دوم تحقیق به این شکل مطرح گردیده است که " دوره تصدی حسابرِس رابطه بین اندازه حسابرِس و کیفیت حسابرِسی را تعدیل می‌نماید." فرض H_0 و H_1 این فرضیه به صورت زیر ارائه شده است:

H_0 : دوره تصدی حسابرِس رابطه بین اندازه حسابرِس و کیفیت حسابرِسی را تعدیل نمی‌نماید.

H_1 : دوره تصدی حسابرِس رابطه بین اندازه حسابرِس و کیفیت حسابرِسی را تعدیل می‌نماید.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دوره تصدی حسابرِسی رابطه بین اندازه حسابرِس و کیفیت حسابرِسی را کاهش داد. این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش دوره تصدی حسابرِسی، در شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرِسی شده‌اند (اندازه حسابرِس)، هزینه سرمایه کمتر شده است (کیفیت حسابرِسی کاهش یافته است). لذا فرضیه دوم پژوهش تأیید شد و نتایج آن با تحقیق برایان و رینولد (۲۰۱۶) نیز مطابقت دارد.

همچنین، نتایج متغیر کنترلی اندازه شرکت و متغیر نرخ بازده دارایی‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگتر به دلیل دسترسی بالاتر به منابع مالی، از هزینه سرمایه‌ای بالاتری برخوردارند. همچنین، شرکت‌هایی که عملکرد بهتری داشته‌اند، نیز هزینه سرمایه‌ای بالاتری نیز برخوردار بوده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین متغیرهای رشد شرکت، اهرم مالی، ریسک خطای پیش‌بینی سود و عمر شرکت با کیفیت حسابرِسی (هزینه سرمایه) رابطه منفی معنادار وجود دارد. به عبارتی، شرکت‌هایی که رشد بالاتری داشته‌اند، احتمالاً از کیفیت حسابرِسی پایین‌تری برخوردارند. همچنین، شرکت‌هایی که از اهرم مالی بالاتری برخوردار بوده‌اند، احتمالاً از کیفیت حسابرِسی پایین‌تری برخوردار بوده‌اند. شواهد پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش ریسک پیش‌بینی سود، کیفیت حسابرِسی کاهش یافته است. همچنین، با افزایش عمر شرکت‌ها، هزینه سرمایه (هزینه حسابرِسی) کمتر می‌شود.

¹ Brayan & Reynolds

جدول ۱. بررسی فرضیه ها

ردیف	فرضیه	نتیجه
۱	بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.	تایید
۲	دوره تصدی حسابرس رابطه بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی را تعدیل می نماید.	تأیید

منابع

- (۱) حساس یگانه، یحیی؛ جعفری، ولی اله. (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۹، صص ۲۵-۴۲
- (۲) حساس یگانه، یحیی و جعفری، علی. (۱۳۸۶)؛ "کیفیت حسابرسی مروری بر ادبیات و تحقیقات"، فصلنامه بورس، شماره ۶۶، صص ۳۸-۴۵.
- (۳) حساس یگانه، یحیی و آذین فر، کاوه. (۱۳۸۹)؛ "رابطه بین کیفیت حسابرس واتدازه مؤسسه حسابرسی"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۱۲، صص ۸۵-۹۸.
- (۴) رحیمیان، نظام الدین؛ رضاپور، نرگس واختری، حسین. (۱۳۹۰)؛ "نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابرسی، شماره ۴۵، صص ۶۸-۸۱.
- (۵) رحیمیان، نظام الدین و حسنی، مسعود. (۱۳۹۰)؛ "بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و استفاده از حسابرس متخصص در صنعت"، دانش حسابداری مالی، شماره ۴، صص ۷۱-۸۸.
- (۶) رحیمیان، نظام الدین و جان فدا، مسعود. (۱۳۹۳)؛ "بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و استفاده از حسابرس متخصص در صنعت"، دانش حسابداری مالی، شماره ۴، صص ۷۱-۸۸.
- (۷) سازمان بورس اوراق بهادار (۱۳۸۶) دستورالعمل موسسات حسابرسای معتمد سازمان بورس اوراق بهادار، تهران.
- (۸) ملکیان، اسفندیار و عبدی پور، فرزانه. (۱۳۹۲)؛ "رابطه بین تغییر حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه کارانه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۱، صص ۱۵۷-۱۷۳.
- (۹) نمازی، محمد. بایزیدی، انور، جبارزاده کنگرلویی، سعید. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۹، صص ۴-۲۲.
- (۱۰) نمامیان، فرشید و کوه نشین، شهرام. (۱۳۹۴). "بررسی اثر چرخش حسابرس بر مدیریت سود با در نظر گرفتن
- 11) Ashbaugh-Skaife, H., D.W. Collins, W.R. Kinney, and R. Lafond. (2009). the Effect of SOX Internal Control Deficiencies on Firm Risk and Cost of Equity. *Journal of Accounting Research* (47) 1-43.

- 12) Brayan, D. & Reynolds, J. (2016), 'Auditor Size and the Cost of Equity Capital over Auditor Tenure', *International Journal of Auditing*, Vol. 20, No. 3, pp. 278–294.
- 13) Choi, J. & Lee, W. (2014), 'Association between Big 4 auditor choice and cost of equity capital formultiple-segment firms', *Accounting & Finance*, Vol. 54, No. 1, pp. 135–63.
- 14) Cassell, C., Giroux, G., Myers, L. & Omer, T. (2013), 'The emergence of second-tier auditors in the US: evidence from investor perceptions of financial reporting credibility', *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 40, No. 3, pp. 350–72.
- 15) DeFond, M.L. and J. Zhang. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics* 58: 275-326.
- 16) Davis, J. Kim, J.B., and C.H. Yi. (2000). Rethinking the relevance, credibility and transparency of audits. SEC and Financial Reporting Institute 30th Annual Conference: June 2, (2011). Available at [http://pcaobus.org/News/Speech/Pages/06022011_Doty Ke ynote Address.aspx](http://pcaobus.org/News/Speech/Pages/06022011_Doty%20Ke%20note%20Address.aspx).
- 17) Davis, L.R., Soo, B., and Trompeter, G. (2000). "Auditor Tenure, Auditor Independence and Earnings Management", Working Paper. Boston College.
- 18) Gul, F., S. Fung, and B. Jaggi. (2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors, industry expertise" *Journal of Accounting and Economics*, 47(3): 265–287.
- 19) Hamilton, J., C. Ruddock, D. Stokes, and S. Taylor. (2005). "Audit partner rotation, earnings quality and earnings conservatism". Working paper, University of Technology, Sydney, and University of New South Wales.
- 20) Lim, C., and H. Tan. (2010). Does auditor tenure improve audit quality? Moderating effects of industry specialization and fee dependence. *Contemporary Accounting Research* 27 (3): 923–957.
- 21) Lim, C. & Tan, H. (2010), 'Does auditor tenure improve audit quality? Moderating effects of industry specialization and fee dependence', *Contemporary Accounting Research*, Vol. 27, No. 3, pp. 923–57
- 22) Reid., C. and Carcello., J. (2016). Investor Reaction to the Prospect of Mandatory Audit Firm Rotation, *The Accounting Review*, Vol 25, PP. 102-115.
- 23) Silvano Corbella Cristina Florio Giorgio Gotti Stacy A. Mastrolia (2015) Audit Firm Rotation, Audit Fees and Audit Quality: The Experience of Italian Public Companies, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*. S1061-9518(15)00024-5 <http://dx.doi.org/doi>

Moderator effect of Auditor's Tenure on the relation Auditor size and Audit quality

Abstract

he advisers to reduce the auditor's period believe that auditors will, after long-term presence with a business owner, have a greater incentive to maintain the client and accept their views and desires because of their economic dependency, which would be detrimental to their independence and may reduce Audit quality. Opponents of the reduction of the auditor's period of time, believe that the costs of implementing and reducing the length of the auditor's term over its benefits. They argue that there are other factors, such as the need to maintain credibility and reputation, and the fear of litigation against them, forcing auditors to maintain independence and increase the quality of auditing. The main purpose of this study is to examine the effect of moderating the auditor's term on the relationship between auditor size and audit quality. To test the hypotheses of the research, multiple linear regression model has been used. The results of the survey of 142 companies and 852 observation of the year-listed company in Tehran Stock Exchange during the period of 2016-2021 indicate that there is a meaningful positive relationship between the auditor's size and the quality of the audit (capital cost). In other words, in firms whose auditors are audited by the audit firm, the quality of the audit is higher. The findings of this study showed that the auditor's tenure can reduce the relationship between auditor's size and audit quality.

Keywords

Audit quality, Auditor's size, Auditor's Tenure, Capital cost.
